

۱۳۹۱
۲۴

ظهور و سقوط دیکتاتوری رضاخان

تألیف : محمد درخشانی

ویراستار ادبی : عادل میرزائی

طراح روی جلد : امیرحسین درخشانی

سرشناسه: درخشانی، محمد، ۱۳۴۹-
عنوان و نام پدیدآور: ظهور و سقوط دیکتاتوری رضاخان / محمد درخشانی.
مشخصات نشر: تهران: نشر افلشن، ۱۳۹۴
مشخصات ظاهری: ۲۰۰ ص
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۸۰-۸۲-۳

وضعیت فهرست نویسی: فیا
موضوع: رضا پهلوی - شاه ایران - ۱۲۵۷-۱۳۲۳
موضوع: ایران - تاریخ - پهلوی، ۱۳۰۴-۱۳۲۰
رده بندی کنگره: DSR ۱۴۸۸ / ۴۵ظ ۹۳۹۳
رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۰۲۲
شمار کتابشناسی ملی: ۳۴۱۷۱۴۵

نام کتاب: ظهور و سقوط دیکتاتوری رضاخان

نویسنده: محمد درخشانی

ناشر: نشر افلشن

چاپ نخست: ۱۳۹۴ / شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۸۰-۸۲-۳

قیمت: ۵۰۰۰ تومان



نشر افلشن

تهران: خیابان سراج، روبروی سی متری اول - کوچه کاشانی - پلاک ۹۳ - طبقه اول و دوم

تلفن: ۷۷۰۸۹۶۶۳-۴ فکس: ۷۷۰۸۹۶۶۸ موبایل: ۰۹۱۲۴۴۴۱۳۱۸

E.mail: azfolk@gmail.com

فهرست مندرجات

صفحه	عناوین
۱	مقدمه
۳	ایران قبل از رضاخان
۶	تولد رضاخان
۱۱	سرنوشت ناصر رضاخان
۱۲	زنان رضاشاه
۱۴	فرزندان رضاشاه
۲۰	ورود رضاخان به قزاقخانه
۲۲	درجات نظامی رضاخان
۲۵	چگونگی روی کار آمدن رضاخان
۴۴	منش و بینش رضاخان
۴۸	دارایی و ثروت های رضاخان
۵۰	دانش و مطالعات رضاخان
۵۲	میزان آشنایی رضاخان با عنوان زبان های رایج
۵۲	نخست وزیران دوره ی سلطنت رضاشاه
۵۸	مجالس قانون گذاری دوره ی سلطنت رضاشاه

۶۶	تنها سفر خارجی رضاشاه
۶۷	اقدامات رضاخان در دوران نخست‌وزیری
۷۱	اقدامات رضاخان در دوران سلطنت
۷۲	بخش نظامی
۷۵	اصلاحات اقتصاد
۷۶	صنعت
۷۸	کشاورزی
۷۸	خدمات
۸۶	تجارت
۸۷	بودجه
۸۸	سیاست
۸۸	الف) سیاست داخلی
۹۲	ب) سیاست خارجی
۱۰۲	نظام آموزشی
۱۱۱	اصلاح وضعیت بهداشتی
۱۱۲	اصلاحات شهری
۱۱۲	اصلاحات و اقدامات فرهنگی

۱۱۹	اصلاحات در دادگستری
۱۲۱	راه سازی
۱۲۴	توسعه‌ی رسانه‌های ارتباطی
۱۲۸	روابط با دول خارجی
۱۲۸	روابط با ترکیه
۱۲۹	روابط با شوروی
۱۳۰	روابط با عراق
۱۳۰	روابط با افغانستان
۱۳۱	رضاخان و سیاست گرایش به آلمان
۱۳۳	روابط با عربستان
۱۳۳	روابط با مصر
۱۳۳	روابط با فرانسه
۱۳۴	ویژگی‌های حکومت رضاخان (پهلوی اول)
۱۳۷	علل شکست و ناکامی رضاخان
۱۷۰	نتیجه‌گیری
۱۷۶	منابع و مآخذ

آدمی با ورق زدن و کنکاش‌های خود در لابلای سطور پر ماجرای اسناد تاریخی با حوادث و وقایع متنوعی مواجه می‌شود که گاهی اوقات دانستن و آگاهی از این ماجراها انسان را دچار شور و شعف ساخته و روح ایفای آن را چنان می‌نوازد که آرزوی حضور در نقش بازیگر اصلی آن برمی‌آید. در کسب زمانی نیز اتفاق می‌افتد که نه تنها علم بر آن‌ها کام شیرینی برای انسان برارمغان ندارد؛ بلکه در نهایت تأسف باعث احساس انزجار و تنفر شدید و نینمی‌شود. هم‌چنین انسان را وادار می‌سازد در اندیشه‌ی خود متبلور کند. در این تلخی‌ها را سر لوحه‌ای برای پند و اندرز خود و دیگران قرار دهد. از سبب دیگر نقل این دانسته‌ها و حوادث تاریخی را کوششی برای عدم تبدیل شدن به چنین شخصیت و چهره‌هایی برای تاریخ روزگاران آینده‌ی بعد از خود می‌داند.

یکی از این وقایع، مطالعه‌ی نحوه‌ی ظهور و سقوط ساسانی است که تکیه او بر اریکه‌ی قدرت و اقدامات اولیه‌ی او در سده‌ی نخست حکومتش برای انسان مایه‌ی مسرت و شادمانی است؛ چرا که در اوایل به ظاهر کوششی برای ارتقای ایران و ایرانی و مدرنیزه کردن کشور ایران را می‌توان در اقدامات او مشاهده کرد. لیکن دنبال کردن ماجرا، بعدها این

نتیجه را به دنبال دارد که یکی از منحوس‌ترین و ننگ‌ترین فرمانرویان حاکم بر مسند قدرت و زمامداری مملکت، چنین شخصی بود. او کسی نیست به جز رضاخان دیکتاتور، مؤسس سلسله‌ی ددمنشانه‌ی پهلوی در ایران زمین که آثار سوء حاکمیت او بیشتر از منافعش تاکنون نیز مشهود هست.

وی کسی است که در شمال ایران متولد یافته و توسط والدین خویش اسم «رضا» برایش او تعیین شد. این کودک بعد از مرگ پدر، در دامن مادرش و بر خاکی دای خود از نیروهای قزاق بزرگ شد.

او بعد از طی دوران خوکی و نوجوانی به یاری دایی خویش وارد نیروی نظامی یا همان قزاق (شغال مورثی پدری) خود شد. با به نمایش گذاشتن لیاقت و کاردانی در شغال، رضا توانست به سرعت پله‌های ترقی و کسب مدارج عالی را طی کند؛ چنان‌که سرمدت کمی به عنوان فرمانده بخشی از نیروهای نظامی منصوب شد. وی در اثر فرست طلبی و حسن قدرت طلبی به مقام نخست وزیری و بعد از مدتی به سرانجام حيله موفق به تصاحب قدرت مطلق کشور شد.

بررسی اوج‌گیری و سقوط او برای آنان که حسن قدرت طلبی و تسخیر دیگران را در خود دارند؛ تجربه و دست‌مایه‌ی گرانباری خواهد شد. چرا که آنان کسانی هستند که اعمالشان را تنها متأثر از خود دانسته و

سرمست افعال و کرده‌های خود می‌شوند ؛ غافل از این که در برابر قدرت خدا قدرتی نداشته و سیر فقه‌رایی حاصل کار آن‌ها خواهد بود.

قال علی علیه‌السلام : « ما اکثر العبر و اقل الاعتبار » (عبرت‌ها چه فروان‌اند و عبرت پذیرفتن‌ها چه اندک) . (حکمت ۲۹۷ ، ص ۴۱۶)

* ایران قبل از رضاخان :

در طول تاریخ هزار ساله‌ی ایران بعد از اسلام ، آخرین سلسله‌ی ایلاتی توسط قاجار تشکیل شد. این حاکمیت آخرین حکومت ترکان در ایران بود که توسط ام‌میرخان قاجار در سال ۱۲۰۰ ه.ق. احیا گردید . اما افسوس ! این زمان مصداق بار این قدرت‌های اروپایی برای گسترش نفوذ حاکمیت خود در تمام نقاط جهان از - منته ایران شد و وی نتوانست با اقتدار در جهت آبادانی و پیشرفت ایران زمین ظاهر گردد . (غلی ، ۱۳۸۰ ، (گرنوسکی ، ۱۳۸۵ ، ص ۳۰۴-۳۱۵)

در این باب ، با نگرشی بر تاریخ به خوبی می‌توان شاهد رقابت دو قدرت بزرگ روس و انگلیس و تا حدودی دولت فرانسه در ایران بود . البته همسایه‌ی شمال غربی ؛ یعنی ، دولت عثمانی نیز گاهی به این رقابت‌ها می‌پیوست ، در نتیجه‌ی این رقابت‌ها و اعمال نفوذها بود که بالاخره

امتیازاتی به دول متنفذ واگذار گردید. از آن جمله: می‌توان به قرار دادهایی هم‌چون گلستان و ترکمان‌چای در عصر فتح‌علی‌شاه اشاره کرد که در اثر آن‌ها بخش اعظم منطقه‌ی قفقاز از خاک ایران جدا گردید. یا قراردادهای «آخال» و «پاریس» در عصر ناصرالدین‌شاه را می‌توان ذکر کرد که به سبب آن‌ها مناطق ترکمنستان و ماوراءالنهر و افغانستان امروزی از ایران جدا شدند. هرچند بعد از این قرار دادهای بود که منطقه‌ی سیستان و بلوچستان به دو بخش غربی و شرقی توسط دولت انگلیس تقسیم شد. بخش غربی سهم ایران و بخش شرقی سهم انگلیس بود که امروزه به نام کشور پاکستان شناخته می‌شود. (فردوست، ۱۳۶۵)

در پی این سرشکستگی‌ها (در دست دادن قسمت‌هایی از سرزمین پهنای ایران)، استبداد شدید حاکمیت و یلدا مردم در نتیجه‌ی آموزه‌های اسلامی بود که زمینه برای انقلاب مشروطیت در زمان حکومت مظفرالدین‌شاه مهیا شد. لیکن باید با تأسف اظهار داشت که این انقلاب به مصادره کشیده شد و عوامل استبداد مجدداً بر مقامات کلیدی کشور مسلط شدند. هم‌چنین از طرف دیگر محمدعلی‌شاه (شاه وقت ایران) نیز به صورت علنی به مقابله با مشروطه برخاست که خوشبختانه با قیام‌های مردمی از جمله قیام مردم آذربایجان به رهبری ستارخان، سردار ملّی و باقرخان،

سالار ملی، قیام مردم گیلان به رهبری محمدولی خان تنکابنی جنگلی، مردم بختیاری و اصفهان، سرانجام شاه سقوط کرده و فرزند دوازده ساله‌اش احمد شاه به حکومت تعیین شد. (اوری و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۵)

به حکومت رسیدن این کودک باعث شد تا عوامل خارجی و داخلی زمینه را برای نفوذ خود در اداره کرد مملکت فراهم بینند. چنان که روس و انگلیس طبعاً قرار داد ۱۹۰۷ میلادی اختلافات فی مابین را حل و ایران را به سه منطقه تقسیم کردند. شمال ایران سهم روسیه، جنوب سهم انگلیس و منطقه مرکزی منطقه بی طرف (سهم دولت ایران شد که با تهدید آلمان در جنگ چهارم او، سرانجام این منطقه بی طرف نیز در سال ۱۹۱۵ میلادی به بهانه‌ی جلوگیری از ورود آلمان و دولت عثمانی عملاً حذف و کل ایران به دو منطقه‌ی تحت نفوذ روس و انگلیس درآمد. (امینی، ۱۳۸۶، صص ۶۶-۶۷)، (گرانوسکی، ۱۳۸۱، صص ۴۵۵-۴۵۷)، (پیرنیا و آشتیانی، ۱۳۴۶، ص ۸۵۸)

به دنبال این حوادث، پس از مدتی؛ یعنی، در سال ۱۹۱۷ میلادی انقلاب اکتبر روسیه به وقوع پیوست و حکومت از تزارها (سزارها) به بلشویک‌ها (کمونیست‌های افراطی) رسید. در نتیجه این انقلاب، نیروهای روسی خاک ایران را ترک کردند. (آر. کدی، ۱۳۷۵، ص ۱۵۰).

(گرائتوسکی، ۱۳۸۵، ص ۴۱۹-۴۲۳)، (پیرنیا و آشتیانی، ۱۳۴۶، ص ۴۲۴-۴۲۶)

(۴۲۶)

در پی خالی شدن صحنه از رقیب، انگلیس فرصت را برای قبضه‌ی کامل ایران مساعد دید و طی قرارداد ۱۹۱۹ میلادی در زمان نخست‌وزیری حسن وثوق الدوله، زمینه برای سلطه‌ی کامل ایران فراهم شد که با اعتراضات مردمی رهبری شیخ محمد خیابانی و آیت الله سیدحسن مدرس از یک سو و از طرف دیگر با مخالفت احمدشاه مواجه گردید. در پی این شکست، دولت انگلیس چون قاجار را برای وصول اهدافش مناسب و توانا تشخیص نداد در اندیشه‌ی تغییر حاکمیت ایران برآمد و با اجرای کودتای ۱۲۹۹ ه.ش. و روی کار آوردن روحان نجات خویش را جامه‌ی تحقق بخشید. (عاقلی، ۱۳۸۷)

* تولد رضاخان :

در بیست و چهارم اسفندماه ۱۲۵۶ هجری شمسی مطابق با ۱۴ مارس ۱۸۷۸ میلادی در روستای آلاشت (یکی از روستای شهرستان سوادکوه در استان مازندران و زادگاه رضاشاه پهلوی و پسرش محمدرضاشاه پهلوی می‌باشد. نام آلاشت در زبان محلی به معنی آشیانه‌ی عقاب است. وجه تسمیه‌ی آن نیز احتمالاً وجود عقاب‌های فراوان در کوه‌های بلند این

منطقه است) (بهار، ۱۳۷۱) کودکی متولد شد که او را رضا نامیدند و به سنت دیرینه‌ی ایلات و عشایر ایرانی، رضاخان خطابش کردند.

او پسر عباس علی خان یاور (معروف به داداش بیگ خان) و نوه‌ی مرادعلی خان بود. (آیرون ساید، ۱۳۶۱)

عباس علی، یکی از افسران سپاه سواد کوه، از ایل پالانی بود. نام این طایفه در تاریخ‌خانی، چاپ پتروگرا برده شده است و غیر از این کتاب تاریخی که اولین حرکت گیلان و لاهیجان و ظهور شاه اسماعیل و حالات خان احمد گیلانی در آن نوشته شده: نامی از این طایفه در کتب تاریخی دیگر برده نشده است. همچنین وی کسی بود که وارد فوج سواد کوه شده و به کار نظامی‌گری پرداخت. مدتی رئیس نظمیه‌ی «بابل کنار» که آن زمان به «دراز کلاه» شهرت داشت، شد. او در اوایل حکومت ناصرالدین شاه قاجار با درجه‌ی نایبی (ستوان) به همراه حسین‌الملک به سر مسئله‌ی هرات در جنگ با افغان‌ها شرکت کرد. (بهار، ۱۳۷۱)

عباس علی خان در دوران زندگی خود چند بار ازدواج کرد. خانم «کوچک» یکی از زنان او بود که در بابل کنار حضور داشت. او صاحب پنج فرزند از عباس علی خان شد.